

کیمسان

«حجاب» یکی از اساسی‌ترین احکام دین اسلام و از ضروریات و واجبات آن به شمار می‌آید که شامل مجموعه‌ای از اصول مورد تأکید دین در زمینه پوشش، رفتار و گفتار زنان در جامعه اسلامی است. بر این اساس، «بدحجابی» مفهومی است که بر کوتاهی در التزام عملی به بخش یا بخش‌هایی از اجزای تشکیل‌دهنده حجاب، محقق می‌شوند و عمدتاً به پوشش و رفتار غیراسلامی زن در عرصه‌اجتماع ناظر می‌باشند. هرچند که پوشش مردان نیز در شریعت اسلام، شرایط و ویژگی‌های خاص خود را دارا می‌باشند و جامعه کنونی ما، از حالت مطلوب آن فاصله گرفته است؛ اما در این مجال به دلیل اهمیت خاص حجاب زن در دیدگاه اسلام و از سوی دیگر، نقش بی‌دلیل آن در تأمین سلامت و پیشبرد اهداف جامعه اسلامی؛ عوامل گسترش روزافزون «بدحجابی» در جامعه کنونی ایران مورد بحث قرار گرفته است.

از عفت زن یهود تا زن مسلمان!

«حسان آدم‌ز»، از رهبران جنگ‌های استقلال آمریکا، اهمیت پاکدامنی زنان – که یکی از ثمرات حجاب آنان است – را در پیشبرد اهداف جامعه این‌ چنین توصیف می‌کنند: «با مطالعه تاریخ دولت‌ها، زندگی و رفتار آدم‌ها به این نتیجه رسیدیم‌که رفتار زنان قابل اطمینان‌ترین و کم‌خطراتین شاخص برای تعیین میزان پایبندی یک ملت به اخلاقیات و پاکدامنی است. یهودیان، یونانی‌ها، سوسیسی‌ها و آلمانی‌ها همگی زمانی هویت ملی و شکل استقلال‌طلبانه دولت‌هایشان را از دست دادند که پاکدامنی خانوادگی و حجب و حیای زنانشان از دست رفت.»

«هفتر»، جاسوس انگلیسی در کشورهای اسلامی، در کتاب *خاطرات خود* ادعان می‌دارد که یکی از نقاط قوت و نیرومندی اسلام و از علل پیشرفت مسلمانان، حجاب زنان است که موجب جلوگیری از فساد و روابط نامشروع می‌گردد و باید برای لیل به اهداف استعمارگرانه، نابودی آن را در سـرواح اقدامات وزارت مستعمرات انگلیس قرار داد. او همچنین در این باره می‌گوید: «در مسئله بی‌حجابی زنان، باید کوشش فوق‌العاده به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی‌حجابی و رها کردن زیادات مشتاق شوند… پس از آنکه حجاب زن با بچهار متوجه وسیعی از میان رفت، وظیفه مأموران ما این است که جوانان را به روابط جنسی نامشروع با زنان تشویق کنند و بدین وسیله فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهند.»

بر این اساس، ریشه‌یابی و درمان معضل «بدحجابی» را می‌توان از جهات متفاوتی حائز اهمیت دانست و این اهمیت عمدتاً در گرو ماهیت اجتماعی این مسئله است. در حقیقت، «بدحجابی»، افزون بر آثار و تبعات فردی مانند افزایش مزاحمت‌ها، آزارها و خشونت‌های جنسی، افزایش پیامدهای اجتماعی محسوس است که به طور مستقیم ناهادای اجتماعی مانند خانواده و حقوق دیگر افراد جامعه مانند سلامت روانی و جنسی آن‌ها را نشانه رفته است و از این بابت، سزاوار اقدامات جدّی حکومت اسلامی در مبارزه و کنترل ر این پدیده مخرب می‌باشد.

منظور از حجاب زن به طور مشخص، پوشاندن تمامی بدن و برجستگی‌های آن به جز گردی صورت و دست‌ها یا مچ به پایین، با رنگ‌های متناسب با عرف جامعه پذیرفته‌است، است، که همواره با رفتار و گفتار متین و به دور از تحریک عمومی و خوضوع در کلام باشد و منجر به خوندنمایی و جلب نظر در جامعه ن‌گردد. بنابراین، هر آنچه اعم از لباس‌های تنگ و کوتاه، با رنگ‌ها، نوشته‌ها و نقوش‌های محرک، آرایش صورت و مو، رفتار، گفتار و حرکات هدفدار، استفاده‌نابجا از زیورات، عطرها

و محرک و زنده و سایر لوازم و پوشاک غیرمعمول را می‌توان از مصادیق بدحجابی زنان به شمار آورد.

ریشه‌های اجتماعی «بدحجابی»

«بدحجابی» را از دو جهت می‌توان نوعی ناهنجاری یا کج‌روی اجتماعی به شمار آورد و بر مبنای نظریات مطرح در جامعه‌شناسی انحرافات به تحلیل و تبیین آن پرداخت. ساده‌ترین شکل ماجرا این است که «بدحجابی» خلاف بین اعتقادات مذهبی و دینی قشر قابل توجهی از متدینین کشورهای اسلامی است و از این جهت، به دلیل نقض هنجارهای اخلاقی و دینی این قشر، نوعی ناهنجاری و کج‌رفتاری به شمار می‌رود. اما از سوی دیگر، «بدحجابی»، نقض قوانین موضوعه کشورمان است که به طور مشخص در ماده ۶۲۸ قانون مجازات اسلامی، مورد جرمانگاری قرار گرفته است. این شاخصه، اهمیت به‌سزایی در تعیین رفتارهای ناپهنجار دارد، چرا که مهم‌ترین و رایج‌ترین عامل در تعیین کج‌رفتاری‌های اجتماعی، نقض قوانین به عنوان قوی‌ترین هنجارهای هر جامعه، می‌باشد. از نظریات مطرح در جامعه‌شناسی انحرافات که در حال حاضر می‌تواند در ریشه‌یابی جامعه شناختی «بدحجابی» مورد استفاده قرار گیرد، نظریه نظارت اجتماعی است. در این دیدگاه، افراد اصولاً دارای قابلیت پهنجار بودن یا ناپهنجار بودن هستند. نکته اصلی این است که جامعه چه رفتاری ناپهنجار باشد، چرا که مهم‌ترین و رایج‌ترین عامل در تعیین کج‌رفتاری‌های اجتماعی، نقض قوانین به عنوان قوی‌ترین هنجارهای هر جامعه، می‌باشد.

از نظریات مطرح در جامعه‌شناسی انحرافات که در حال حاضر می‌تواند در ریشه‌یابی جامعه شناختی «بدحجابی» مورد استفاده قرار گیرد، نظریه نظارت اجتماعی است. در این دیدگاه، افراد اصولاً دارای قابلیت پهنجار بودن یا ناپهنجار بودن هستند. نکته اصلی این است که جامعه چه رفتاری ناپهنجار باشد، چرا که مهم‌ترین و رایج‌ترین عامل در تعیین کج‌رفتاری‌های اجتماعی، نقض قوانین به عنوان قوی‌ترین هنجارهای هر جامعه، می‌باشد.

منظور از حجاب زن به طور مشخص، پوشاندن تمامی بدن و برجستگی‌های آن به جز گردی صورت و دست‌ها یا مچ به پایین، با رنگ‌های متناسب با عرف جامعه پذیرفته‌است، است، که همواره با رفتار و گفتار متین و به دور از تحریک عمومی و خوضوع در کلام باشد و منجر به خوندنمایی و جلب نظر در جامعه ن‌گردد. بنابراین، هر آنچه اعم از لباس‌های تنگ و کوتاه، با رنگ‌ها، نوشته‌ها و نقوش‌های محرک، آرایش صورت و مو، رفتار، گفتار و حرکات هدفدار، استفاده‌نابجا از زیورات، عطرها و محرک و زنده و سایر لوازم و پوشاک غیرمعمول را می‌توان از مصادیق بدحجابی زنان به شمار آورد.

مهم در کنترل رفتار محسوب نمود؛ به طوری که به علت وابستگی اجتماعی، این احساس بر فرد به وجود می‌آید که به انتظارات و خواسته‌های دیگران پاسخ دهد. بیشتر افراد سعی می‌کنند که آسیبی به خویشانوندان خود وارد نماندند و رفتارشان باعث ناراحتی و شرمندگی نزدیکان آن‌ها نشود. با داشتن این احساس، افراد، وابسته و محدود می‌شوند و کمتر خود را آزاد و رها می‌بینند که هنجارهای اجتماعی را نقض کنند. وابستگی به دیگران، بُعد جامعه‌شناختی وجدان در روان‌شناسی تلقی می‌شود.

همگی مقصریم!

بر این اساس، می‌توان یکی از مهم‌ترین ریشه‌های شیوع روزافزون مسئله «بدحجابی» که در دو دهه اخیر، به وضوح در جامعه مشاهده می‌شود را؛ افزایش آستانه تحمل افراد جامعه در مقابل این ناهنجاری و به عبارت دیگر، کاهش قبح و زشتی این عمل، در نظر افراد جامعه دانست.

در هر حال، دختران بسیاری از مادران محبجه و متدین جامعه اسلامی ایران، در دین بدحجابان جامعه قرار گرفته‌اند و فراوان دیده می‌شود که افراد یک خانواده، نسبت به اعضای بدحجاب خانواده، خوش‌گترین اعتراضی از خود نشان نمی‌دهند. گذشته از عقبه دینی مقوله «تذکر» در دین مبین اسلام که ذیل عنوان فقہی «بُهی از منکر» و در زمره واجبات مؤکد دینی مطرح می‌باشند، در گذشته نه چندان دور، اغلب افراد جامعه در مقابل کسانی که حرمت حجاب و عفاف را خدشه‌دار می‌کردند، عمدتاً به دلیل پایبندی به احکام شرعی، تذکر و هشدار به سهولان‌گاران در امر حجاب را وظیفه و مسئولیت دینی و وجدانی خویش می‌دانستند.

تأثیر چنین واکنشی از سوی این افراد، تا حدی بود که افراد بدحجاب، از بیم انزوا و کنار گذاشته شدن توسط بستگان و دوستان خویش، دستکم در ظاهر، خود را ملتزم به پوشش اسلامی نشان می‌دادند. با آفلو مراتب اعتقادی برخی متدینین و آفلو حساسیت ایشان نسبت به برخی حرمت‌شکنی‌ها، بدحجابی نیز در جامعه ما به تدریج در طول دهه‌های ۷۰ و ۸۰، از شکل کج‌رفتاری خارج شد و تا حدی مقبول و پذیرفته به شمار آمد؛ به طوری که افراد بدحجاب، افراد محتجبه، بدحجابی‌خود را باعث ناراحتی و شرمندگی آن‌ها ندیده و بدین ترتیب، عامل «وابستگی» که امید می‌فت، باعث ترمیم و یا لاقفل مانع رشد تصاعدی این کج‌رفتاری گردد، مغلوب برخی توجهات همچون «عدم دخالت در حریم خصوصی دیگران»، «بی‌نتیجه بودن سخت‌گیری در مسائل عقیدتی» و «رعایت احترام و همزیستی مسالمت‌آمیز و پرهمز با مراعفه» واقع گردید.

آغاز انحطاط یک جامعه اخلاقی

در این باره می‌توان به تحقیقی که دکتر «رفعی‌پور»، در سال ۱۳۷۱ به عمل آورده است نیز استناد نمود. بر اساس نتایج حاصله از این تحقیق؛ ۸۶/۲ درصد پاسخگویان معتقد بودند در سال ۱۳۶۵، رعایت نکردن حجاب از نظر مردم عیب تلقی می‌شده‌است؛ بدین معنا که زنان متمایل به بدحجابی، به علت اینکه احساس می‌کردند مردم از بی‌حجابی آگاه دارند و احتمال دارد آن‌ها را، در گونه‌ای مورد اهانت (مجازات) قرار دهند، بیشتر حجاب را رعایت می‌کردند. این آرزویابی برای سال ۱۳۷۱ به ۱/۵درصد رسید. از این‌رو می‌توان گفت قبح بدحجابی در آذهان افراد جامعه، در عرض ۶ سال به حدود نصف رسیده است؛ که این نتیجه می‌تواند فریبات مطرح شده در مورد کاهش تأثیر عنصر «وابستگی» بر کنترل «بدحجابی» را

اشاره:

خانواده و جامعه دو عامل مهم در ایجاد و تقویت پیوند میان فرد و جامعه و بدنبال آن کاهش کج‌رفتاری هستند. این دو عامل می‌توانند به عنوان ابزار یادگیری اجتماعی» که مهم‌ترین روش درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است. به کار روند. حجاب نیازمند یادگیری و اکتساب از محیط پیرامون است.

بدحجابی، پدیده‌ای پیچیده، چندوجهی و برخاسته از علل و عوامل مختلف است و در جامعه امروز ایران، نوعی آسیب اجتماعی جدّی تلقی می‌شود که بحران اجتماعی با پیامدهای گسترده، عمیق و غیرقابل پیشگیری تبدیل شود. مسئله «بدحجابی» را می‌توان از جهات مختلفی مانند واکاوی ریشه‌ها یا پیامدها، در حوزه‌های مختلف تاریخی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، علوم سیاسی و حتی علوم اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار داد. در این نوشتار بر آنیمد که در حوزه‌های علوم اجتماعی و روان‌شناسی، با بررسی مهم‌ترین ریشه‌های رشد و گسترش «بدحجابی»، به ارائه راهکارهایی عملی در جهت حل این معضل فراگیر پردازیم. با کارشناس این شماره صفحه اجتماعی همراه باشید.



ریشه‌های اجتماعی و روانی پدیده بدحجابی

■ **راجله کاروانی***

مسئول، به فعالیت خود مشغول می‌باشند. فراتر اینکه؛ در بسیاری از آداره‌های دولتی، انحطاط بی‌مورد، غیرضروری و در برخی موارد منافی ناشی از هر عمل خود را می‌سنجد و بر آن اساس انتخاب می‌کند. حال اگر هزینه کج‌رفتاری سنگین باشد، فرد کوشش می‌کند تا از آن اجتناب کند.

وادادگی مسئولان و جولان نفوذی‌ها

تاریخچه ظهور و گسترش پدیده بدحجابی در ایران نشان می‌دهد که برخورد مسئولین ذی‌ربط در طول زمان نسبت به این پدیده، با تغییرات بسیاری همراه بوده است و یکی از مهم‌ترین این تغییرات در زمینه برخورد با بدحجابان، در بهره آن‌ها از فرصت‌های شغلی و امکان حضور در اماکن مختلف نظیر اداره‌ها، فروشگاه‌ها، رستوران‌ها و … بوده است. در اوایل دوره شروع بدحجابی که عمدتاً از سال ۱۳۶۲ آغاز می‌گردد، صدور اطلاعیه‌ها و اعمال نظارت‌های جدّی مبنی بر محروم نمودن زنان بدحجاب از حضور در اماکن مختلف صورت کاری، مراکز تفریحی و … نیز محدودیتی برای حضور آن‌ها ایجاد نکرد. از این‌رو، یکی از ریشه‌های افزایش بدحجابی در کشور را می‌توان فقدان یا کاهش نظارت حکومتی بر چگونگی پوشش زنان در حضور ایشان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، به ویژه حوزه‌های کاری و آموزشی دانست.

– **دگرگیری و فعالیت اجتماعی**: عنصر سوم نظریه نظارت اجتماعی که به کاهش کج‌رفتاری منجر می‌شود، فرآینب است. به اعتقاد هبرشی،

بیشتر افراد در طول زندگی خود زمان و انرژی محدودی دارند. درگیری در امور زندگی روزمره وقت زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می‌شود. افراد بیکار و بی‌هوده وقت بیشتری در اختیار دارند که در حالی که کسی که کار می‌کند، خانواده‌های تشکیل داده و سعی می‌کند در حرفه خود موفق باشد، وقت و انرژی اضافی برای ارتکاب جرایم را ندارد. به همین دلیل بیشتر جرم‌شناسان معتقدند که افزایش یادگیری در زمره محیط پیرامون است. نظریه یادگیری در زمره نظریات روان‌شناسی اجتماعی است که ذیل بخش ریشه‌یابی روان‌شناختی بدحجابی مطرح خوانده‌شد. **ریشه‌یابی روان‌شناختی «بدحجابی»**

در بحث از ریشه‌یابی روان‌شناختی بدحجابی می‌توان از دو دسته نظریات روانکاوی و روان‌شناسی رفتاری بهره گرفت. در نظریات روانکاوی، بر زمینه‌های زیستی– روانی مانند شخصیت، هوش و ویژگی‌های جنسیتی در انجام کج‌رفتاری تأکید می‌شود. مهم‌ترین رکن نظریات روانکاوی در ریشه‌یابی انحرافات، عمل درگیری به طور مؤثر می‌تواند در کاهش انواع ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی مؤثر باشد، اما پیرامون مسئله «بدحجابی» می‌بایست با تردید به این عامل نگریمست زیرا در طول دو دهه اخیر، در این معضل، در این اقبشار مختلفی از زنان مشاهده شده است. اما حالت‌های خاص بدحجابی که به صورت مدگراییی افراطی و تنوع‌گرایی روزافزون بروز می‌یابد، عمدتاً در زانی با دغدغه‌ها و دگرگیری‌های اجتماعی کمتر مشاهده می‌شود.زیرا به دلیل تبلیغات گسترده کالاهای مصرفی و تغییر سریع مدل‌ها، یکی از فعالیت‌های ثابت برای زنان و دختران غیرشاغل و غیرمحصل و عمدتاً از طبقات مرفه جامعه، برای پر کردن اوقات فراغت، تغییر در نوع پوشش و آرایش با شیوه‌های متفاوت است.

– **اعتقاد به قانون و هنجارها**: هبرشی معتقد است که میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است. هر چه این اعتقاد در ضعیف‌تر باشد احتمال دارد که هنجارشکنی فرد، بنابراین انحراف به علت فقدان اعتقاد به اعتبار هنجارها و قوانین واقع می‌نمایند. دگرگیری که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند، هیچ وظیفه اخلاقی برای همنا بودن و رعایت قوانین در نظر نمی‌گیرد.

از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین عوامل اجتماعی ایجاد و گسترش بدحجابی را می‌توان ضعف اعتقاد و نیز آگاهی زنان از این دست‌ور الهی دانست. در تحقیقی میدانی این نتیجه به دست آمده است که

اجتماعی

لذت‌جویی کلید بدحجابی

در مورد گسترش معضل بدحجابی این بحث قابل درک است. یکی از ریشه‌های روانی بدحجابی برخاسته از تسلط اصل لذت بر شخصیت افراد است. تعدادی از زنان، فلسفه و آثار حجاب را می‌دانند اما در عمل به دلیل لذت‌گرایی و تنوع‌طلبی ملزم به آن نیستند. احساساتی چون تنوع‌طلبی، زیبایی‌خواهی، لذت‌گرایی، تمایل به ترح و خودارایی، تمایل به جلب توجه دیگران و به رخ کشیدن زیبایی‌ها و برانگیختن تحسین و تمجید دیگران؛ در تمامی زنان وجود دارد. اما به واسطه دریافت آموزش‌های درست و به موقع توسط خانواده و محیط آموزشی و اجتماعی خود، راهم‌ای کنترل این احساسات و بروز صحیح و سوسمند آن‌ها را یاد گرفته‌اند و از همین الطاف الهی که در اختیار زنان قرار داده شده است، برای حفظ و زیبایی و استحکام روابط خانوادگی، بهره‌ی کافی و وفای را می‌برند.

آموزش رسماً تعطیل است!

بنبراین، نبود آموزش‌های صحیح و به موقع خانوادگی و اجتماعی در مورد تمامی زمینه‌های مرتبط با حجاب برای دختران نوجوان و جوان در دو دهه اخیر توانسته است به پیروی نسل‌های جدید انقلاب از احساسات درونی میدان دهد و بر گسترش روزافزون و قشارچ گونه بدحجابی دامن زند. حتی تدابیر آموزشی و فرهنگی حکومت اسلامی باید به گونه‌ای باشد که تأثیرات خانواده‌های غیرمعتقد یا ناآگاه را خنثی نماید. زیرا تمایلات طبیعی انسان‌ها تنها در پرتو فرهنگ و نظام ارزشی جامعه شکل و جهت می‌یابد و در مجاری صحیح و سوسودمند آن جلوه‌گر می‌شود. افزون بر نظریات روانکای، برخی از نظریات روان‌شناسی اجتماعی نیز می‌تواند در ریشه‌یابی بدحجابی استفاده شود.

مهم‌ترین مفاهیم مطرح در روان‌شناسی اجتماعی که می‌تواند به طور مؤثر در ریشه‌یابی بدحجابی مورد استفاده قرار گیرد؛ مفاهیم کنترل‌های درونی و بیرونی، جامعه‌پذیری، تقلید و الگوسازی است. نظریه کنترل اجتماعی از نظریات مطرح در روان‌شناسی رفتاری است و بر این پیش فرض استوار است که برای کاستن از تمایل به کج‌رفتاری باید همه افراد کنترل شوند.

این نظریه رفتار انحرافی را عمومی و جهان‌شمول دانسته و آن را نتیجه کارکرد ضعیف سازوکارهای کنترل اجتماعی و کنترل‌های شخصی درونی می‌داند. کنترل‌های اجتماعی از کنترل‌های رسمی نظیر قوانین و کنترل‌های غیررسمی همچون ضمانت‌های اجتماعی (تذکر، توصیه، تمسخر، طرد، تهدید موقعیت و اعتبار اجتماعی و …) منتج می‌شوند و عوامل مؤثر بر کنترل‌های شخصی و درونی؛ احساسات شخصی، خودپنداره، ناکامی، روان‌پریشی، اعتماد به نفس، وسواس، ترس، تنش، لذت‌جویی‌های آنی و … می‌باشند.

تعطیل موقعیت‌های ایمانی درونی

به سبب وجود کنترل‌های درونی است که برخی از افراد علّی‌غیرمغی وجود فرصت بروز رفتار انحرافی به سبب کنترل‌های اجتماعی ضعیف، این رفتارها را انجام نمی‌دهند. این نمونه می‌توان به خانواده‌ها و به ویژه زنانی اشاره داشت که در دوران قبل از انقلاب، با وجود موقعیت‌های بدحجابی و به طور کلی فساد و بی‌سازگاری، مرتکب چنین رفتارهایی نمی‌شدند و حتی بسیاری از این بانوان، در زمان کشف مجرمات توسط ضاخان تا مدت‌های مدیدی از منزل خود خارج نشدند.

اگرچه تحقیقات تجربی بازارنده‌های شخصی درونی را در رفتار انحرافی مؤثر می‌داند، ولی در شرایطی که عوامل اجتماعی و محیطی نظیر خانواده، مدرسه و گروه‌های همسالان فعال

■ *** از عوامل مؤثر بر افزایش بدحجابی، ضعف کنترل‌های درونی و اجتماعی به**

علت فقدان آموزش‌های هدفمند و سیستمی است. می‌توان با ارتقای سطح محتوای و اجرایی مراکز فرهنگی و آموزشی در ایجاد شخصیت‌های سالم و با قدرت خودکنترلی بالا اقدام کرد و از سوی دیگر با افزایش کنترل‌های اجتماعی، برای افراد بدحجاب این احساس را ایجاد کرد که در برخورداری از امکانات اجتماعی با مشکلات اساسی روبه‌رو هستند و باید حوزه‌های شخصی اعتقادات خویش را از فعالیت‌های اجتماعی‌شان تفکیک کنند.

می‌توانند انجام دهند. خانواده و جامعه دو عامل مهم در ایجاد و تقویت پیوند میان فرد و جامعه و به دنبال آن کاهش کج‌رفتاری هستند. این دو عامل می‌توانند به عنوان ابزار «یادگیری اجتماعی» که مهم‌ترین روش درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است، به کار روند. حجاب مانند هر آموزه دینی و اجتماعی دیگر، نیازمند یادگیری و اکتساب از محیط پیرامون است. نظریه یادگیری در زمره نظریات روان‌شناسی اجتماعی است که ذیل بخش ریشه‌یابی روان‌شناختی بدحجابی مطرح خوانده‌شد. **ریشه‌یابی روان‌شناختی «بدحجابی»**

در بحث از ریشه‌یابی اجتماعی بدحجابی می‌توان از دو دسته نظریات روانکاوی و روان‌شناسی رفتاری بهره گرفت. در نظریات روانکاوی، بر زمینه‌های زیستی– روانی مانند شخصیت، هوش و ویژگی‌های جنسیتی در انجام کج‌رفتاری تأکید می‌شود. مهم‌ترین رکن نظریات روانکاوی در ریشه‌یابی انحرافات،

■ *** تاریخچه ظهور و گسترش پدیده بدحجابی در ایران نشان می‌دهد که**

برخورد مسئولین ذی‌ربط در طول زمان نسبت به این پدیده، با تغییرات بسیاری همراه بوده است و یکی از مهم‌ترین این تغییرات در زمینهی برخورد با بدحجابان، در بهرهی آن‌ها از فرصت‌های شغلی و امکان حضور در اماکن مختلف نظیر اداره‌ها، فروشگاه‌ها، رستوران‌ها و … بوده است.

صفحه ۶
شنبه ۱۶ تیر ۱۳۹۴
۲۰ رمضان ۱۴۳۶ – شماره ۲۱۱۰۲

نتایج پژوهش‌هایی در این زمینه نشان می‌دهد که نوع پوششش مادر و خواهران با نوع پوشش دختران همبستگی دارد. همچنین این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که دختران در زمینه حجاب، بیشترین الگوبری را از اعضای خانواده خود دارند. از دیگر نتایج این پژوهش که البته بسیار تأسف‌برانگیز است، این نتیجه است که افزایش میزان افزایش از رسانه‌های جمعی و کالاهای فرهنگی، نگرش افراد به حجاب، منفی‌تر می‌شود.

این نتیجه به وضوح نشان می‌دهد که متأسفانه در حال حاضر رسانه‌های جمعی و کالاهای فرهنگی موجود در جامعه ما در ایجاد الگو برای افزایش بدحجابی و کاهش علاقه در جوانان و نوجوانان، به ویژه دانشجویان نسبت به حجاب بسیار موفق عمل می‌کنند! همین امر نیز از مهم‌ترین ریشه‌های روانی و اجتماعی بدحجابی به شمار می‌رود.

حفظ ارزش‌های جامعه و انتقال فرهنگی از نسلی به نسل دیگر، بدون تأکید بر ابزار تقلید امکان‌پذیر نیست. می‌توان از تقلید به عنوان ابزاری کارآمد در راستای جامعه‌پذیری مفید و سازنده بهره جست به شرط آنکه اوسوها و الگوهای دینی و فرهنگی خویش را به نسل بعد معرفی کنیم. حضور نمونه‌ها و سرمشق‌های شایسته در زندگی به عنوان محرک‌هایی جهت هدنده و مثبت مورد تأکید قرآن کریم است تا از حضور محرک‌های بازدارنده و منفی بکاهد.

نتایج بحث

حجاب، کلید تعدیل تمایلات جنسی و کنترل فضای آرزئی در جامعه است و از سوی دیگر، بدحجابی از مهم‌ترین ابزار در راستای اضمحلال فرهنگ و در نتیجه هویت دینی یک جامعه است. زیرا منجر به افزایش و گسترش لذت‌های جنسی خارج از محیط خانواده، به عرصه اجتماع شده و به صورت مستقیم انحرافات اخلاقی را گسترش می‌دهد. اسلام، زن را موجودی متفکر و فعال می‌بیند که التزام به پوشش اسلامی بهترین زمینه را برای امنیت فعالیت او فراهم می‌آورد. مهم‌ترین ریشه‌های اجتماعی و روانی بدحجابی را می‌توان چنین برشمرد: «کاهش وابستگی، تعهد، اعتقاد و آگاهی در زمینه حجاب، کنترل اجتماعی ضعیف، تبعیت بدحجابان از اصل لذت به دلیل کاستی در تربیت دینی، تأثیر یادگیری اجتماعی و نوع الگوهای خانوادگی و اجتماعی ارائه شده به نوجوانان و جوانان، نقض جدّی در کالاهای فرهنگی کشور و …»

چه باید کرد؟

– مشخص ساختن حدود شرعی حجاب و ارائه تعریف جامع و مشخص از بدجبابی در کتب درسی و دیگر منابع آموزشی در دسترس نوجوانان و خانواده‌ها؛

– تلاش برای انتقال فرهنگ حجاب از راه سازمان‌های فرهنگی و رسانه‌های جمعی. باید به تبیین و تشریح آثار مثبت و کارکردهای دینی و اجتماعی حجاب و نیز آثار منفی بدحجابی و افشای سیاست‌های تهاجمی دشمنان اقدام کرد؛

– برنامه‌ریزی دقیق برای مدارس، دانشگاه‌ها و خوابگاههای اختزانه به منظور تبیین حجاب، و وسیله تبلیغ آن، جوان، توانا، خوش اخلاق و با قدرت بیان مناسب.

– غنی‌سازی اوقات فراغت دختران در زنان در جهت تخلیه هیجان‌های درونی و افزایش آگاهی؛

– فرهنگ‌سازی ازدواج آسان و ایجاد امکان ازدواج به‌هنگام جوانان؛

– آگاه‌سازی مستمر و علمی جامعه پیرامون جوانب مختلفی حجاب و بدحجابی از راه رسانه ملی.

– الگوسازی حجاب و عفاف از راه و منابع مختلف به ویژه رسانه ملی برای نسل جوان و رفع تناقض‌های الگویی موجود در این زمینه. منظور از تناقض‌های الگویی، وجود تفاوت‌های عمیق و متناقض میان الگوهای نظری و دینی و الگوهای عملی و در دسترس این دسته امروزه است. محافل دینی و عمدتاً حوزوری مطرح است، تأکید بر ابعاد وجودی حضرت زهرا(سلام‌الله‌علیه) به عنوان برترین الگوی زنان عالم است. اما الگوهای عملی مطرح در زمینه حجاب و عفاف مانند آموزگاران، استادین و شخصیت‌های مشهور تلویزیونی و سینمایی؛ در تناقض آشکار با الگوهای مذهبی قرار داشته و مسیری متفاوت را فر روی بیرون و دستاردارن خویش قرار می‌دهند!

– به دلیل آشنایی ریزحقیق‌های تلویزیونی و توده‌های از هنرپیشه‌های تلویزیونی و سینمایی، برای جلوگیری از افزایش معضل بدحجابی و پیشگیری از ایضاد یک بحران اعتقادی و فرهنگی در جامعه، لازم است نظرات جدّی و آگاهانه‌ای در این زمینه وجود داشته باشد؛

– ارتقای ساختارهای نظارتی و کنترلی رسمی و غیررسمی در سطح جامعه و برنامه‌ریزی مناسب برای بهره‌گیری از مشارکت جمعی در حل این معضل اجتماعی؛

– کنترل مفاسد اخلاقی و ابتذال در پوشش و آرایش در سازمان‌های دولتی و خصوصی؛

– کنترل انحطاط غیراسلامی زن و مرد از راه نظارت بر تولیدات رسانه‌های تصویری و همچنین اماکن عمومی؛

– تولید و عرضه لباس‌های مناسب و زیبا، با توجه به سابق متفاوت موجود در جامعه؛

– پاسخگویی به شبهات مربوط به پوشش و ضرورت‌های آن؛

– تقویت حس مسئولیت والدین در برابر فرزندان و آموزش شیوه نظارت و کنترل روش‌مند آنان؛

– به‌سازی محصولات فرهنگی به ویژه کتاب‌ها، نشریات، فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی، برنامه‌های رایانه‌ای و … و نیز نظرات و کنترل مجدی بر گلوگاه‌های ورودی محصولات فرهنگی به کشور؛

– برخورد قاطع با متخلفان و مهره‌های اصلی فساد و ابتذال با استفاده از اصلاح قوانین و تعریف راهکارهای مؤثر در این زمینه؛

– ارتقای سطح تأثیر مراکز فرهنگی دانش‌آموزی و زمینه حجاب و عفاف، از راه تعریف اهداف ویژه در این باره، تخصیص بودجه لازم و استفاده از عناصر متخصص و کارآمد.

■ **کارشناس ارشد مطالعات زنان**